



سازه‌های آبی تاریخی شوشتر مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از پل‌ها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و تونل‌های عظیم هدایت آب هستند که در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند

مردم شوشتر چگونه با سرمایه‌های خُرد و حقوق معلمی سابط‌ها و خانه‌های پدری را از زوال نجات دادند؟

ورق به نفع تاریخ برمی‌گردد

گزارش

زهرآ کشورى - دبیر گروه زیست بوم / در بافت تاریخی شهر جزیره‌ای شوشتر، اتفاقاتی در جریان است که فعالان میراث فرهنگی معتقدند مردم این شهر تاریخی، در عمل ده گام جلوتر از مسئولان حرکت می‌کنند. ساکنان این بافت نه تنها مطالبه‌گر احیای میراث تاریخی خود هستند، بلکه در بسیاری از موارد، خود پیشگام مرمت و حفاظت از بناهای تاریخی شده‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد مشارکت مردمی به یکی از ارکان اصلی حفظ این بافت تبدیل شده است.

این نگاه را «روزبه سلمان»، فعال میراث فرهنگی و مالک یکی از خانه‌های تاریخی شوشتر، مطرح می‌کند. او فردی است که بهره‌برداری از اولین اثر تاریخی واگذارشده به بخش خصوصی کشور توسط صندوق احیای بافت و بناهای تاریخی کشور، یعنی خانه تاریخی مستوفی، به او سپرده شد؛ پروژه‌ای که پس از احیا، به‌عنوان یک الگوی پایلوت در سطح کشور مطرح شد.

روزبه سلمان می‌گوید: «احیای بناهای تاریخی توسط مردم شوشتر بخشی از یک کارزار مرمتی و احیایی است که از حدود دو هفته پیش در کشور آغاز شده و با استقبال فراوان از انتظار روبه‌رو بوده است.» به گفته او، هدف نهایی این حرکت، ثبت جهانی بافت تاریخی شوشتر به دنبال ثبت ۱۳ سازه آبی شوشتر و کاروانسرای «افضل» است.

در مسیر جاده باستانی ادویه

سلمان روایت خود را با اشاره به پیشینه تجاری شوشتر آغاز می‌کند: پیشینه‌ای که ردپای آن در معماری شهر کاملاً مشهود است. یکی از مهم‌ترین مسیرهای باستانی تجارت ادویه در جهان، مسیر بمبئی به شوشتر و سپس به اروپا بوده است. خانه‌ها، کاروانسراها و فضاهای شهری در امتداد این مسیر شکل گرفته‌اند. در همین مسیر، مجموعه «افضل» قرار دارد؛ مجموعه‌ای متعلق به دوره قاجار که صاحب آن در دوران خود به تجارت بین‌المللی اشتغال داشته است. معماری بنا نشان‌دهنده عمری بیش از ۱۲۰ سال است و کتیبه‌ای در بخش اندرونی، قدمت آن را تا ۱۶۰ سال پیش مستند می‌کند.

در همین محدوده، خانه قاجاری خواهر سلمان قرار دارد که همچنان مسکونی است و قرار است به‌زودی یک کارگاه شیرینی‌پزی سنتی با محصولات ثبت ملی شده در آن راه‌اندازی شود؛ اقدامی که نمونه‌ای روشن از پیوند زندگی امروز با بافت تاریخی است. محله‌ای که خانه افضل و دیگر بناهای شاخص در آن قرار دارند، در گذشته محل سکونت تجار و «خانه‌نشین‌ها» بوده است. اسناد نشان می‌دهد زمانی که شوشتر مرکز حکومت خوزستان بود، کنسولگری انگلیس نیز در یکی از همین خانه‌ها مستقر بود.

به گفته سلمان، مرمت این بناها عمدتاً با هزینه شخصی مالکان و تحت نظارت کارشناسان میراث فرهنگی انجام شده و همچنان ادامه دارد. سلمان با اشاره به خانه قاجاری خود تأکید می‌کند که تمام هزینه‌های مرمت آن به‌صورت کاملاً شخصی پرداخت شده و هیچ ارتباط دولتی در این فرآیند وجود نداشته است.

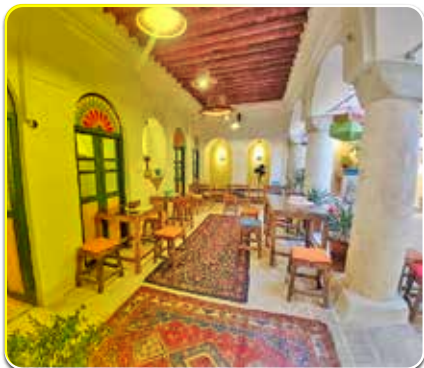
در کنار مرمت‌های شخصی، بناهایی نیز با مشارکت مستقیم مردم و میراث فرهنگی در حال احیا هستند. براساس آمار ارائه‌شده از سوی سلمان، تا همین اواخر دست‌کم هشت کارگاه مرمتی به‌صورت مشارکتی در شوشتر فعال بوده است. او از یکی از ساکنان منطقه به نام «فردوسیان» نام می‌برد که اعلام کرده تمام هزینه مصالح را شخصاً پرداخت می‌کند و مرمت بنا را با نظارت میراث فرهنگی پیش می‌برد.

از تهدید به خودسوزی تا پذیرایی داوطلبانه

سلمان برای توضیح تغییر نگاه مردم، خاطره‌ای تکان‌دهنده نقل می‌کند. او از خانه‌ای می‌گوید که مالک آن قصد تخریب و ساخت‌وساز جدید داشت اما میراث فرهنگی اجازه نمی‌داد. مالک در اوج ناامیدی به اداره میراث مراجعه کرده و تهدید کرده بود که اگر اجازه تخریب داده نشود، خودسوزی خواهد کرد.

اما همین فرد، پس از مشاهده الگوی موفق بوتیک‌هتل‌ها و ارزشمند شدن خانه‌های قدیمی، به یکی از همراهان مرمت تبدیل شد.

سلمان می‌گوید: «هفته گذشته دیدم که اعضای خانواده همان فرد، در زمان مرمت یکی از خانه‌ها، با آوردن صندلی و پذیرایی از نیروهای میراث فرهنگی، به شکل داوطلبانه همکاری می‌کردند.» این یعنی تغییر از تقابل به همزیستی.



خانه مقدم یکی دیگر از خانه‌های تاریخی شوشتر است که در قلب بافت تاریخی شهر قرار دارد



خانه زاهدزاده، توسط یکی از نوادگان مرحوم زاهدزاده خریداری شده و در حال مرمت است



سازه‌های آبی شوشتر در دوران هخامنشیان تا ساسانیان برای بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شدند



۱۳ سازه آبی شوشتر در فهرست جهانی یونسکو قرار دارند

چرا بافت احیا می‌شود؟

تمرکز بر بافت تاریخی شوشتر، به گفته سلمان، دلایل روشنی دارد. منظومه سازه‌های آبی شوشتر با ۱۲ اثر ثبت جهانی، نمادی از شکوه تاریخی این شهر است. شوشتر به‌عنوان یک شهر جزیره‌ای، مجموعه‌ای کم‌نظیر از تاریخ، معماری و مهندسی را در خود جای داده است. از نظراو، پرسش اساسی این است که خالقان این آثار فاخر کجا زندگی می‌کرده‌اند: پاسخی که سلمان آن را روشن می‌داند: «همین بافت تاریخی، محل زندگی مردمی بوده که این شاهکارها را خلق کرده‌اند»

او می‌گوید: «در همین بافت، کاروانسرای افضل‌ی قرار دارد که یکی از کاروانسراهای ثبت جهانی شده در پرونده یونسکو محسوب می‌شود. علاوه بر آن، مسجد جامع شوشتر نیز در مسیر ثبت جهانی قرار دارد و این درهم‌تنیدگی آثار ثبت‌شده و در حال ثبت، اهمیت حفاظت از کل بافت را دوچندان کرده است.»

شهرشودان‌های زیرزمینی

شوشتر روی تخته‌سنگ بنا شده و زیر اغلب خانه‌های تاریخی آن، شهودان‌هایی (نوعی خانه زیرزمینی برای استراحت در فصل گرم تابستان) با قدمتی بیش از ۱۳۰ سال وجود دارد. این فضاهای زیرزمینی در بسیاری از موارد به یکدیگر متصل‌اند و شبکه‌ای زیرزمینی را در دل بافت تاریخی شکل داده‌اند. جزیره شوشتر با وسعت حدود ۲۵۰ در ۱۳۶۰ متر، امروز در مسیر ثبت جهانی کامل قرار دارد؛ مسیری که به گفته سلمان، به‌تدریج و گام‌به‌گام در حال طی شدن است.

شهری تاجرزاده

آن طور که سلمان می‌گوید: «این شهر از نظر اقتصادی نیز جایگاهی ویژه دارد. شوشتر یکی از قطب‌های تولید گندم و برنج کشور است و کارخانه کشت و صنعت کارون، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده شکر در خاورمیانه و یکی از بزرگ‌ترین واحدهای تولید شکر در جهان، در این منطقه قرار دارد. همین ظرفیت‌ها، روحیه تجارت و بازرگانی را در میان مردم شوشتر تقویت کرده است: مردمی که ردپای حضورشان را می‌توان در محله شوشتری‌ها در بمبئی هند، تانزانیا و... دید».

یک شهر بدون کوچه بن‌بست

ساختر شهری شوشتر نیز متحصربه‌فرد است. به گفته سلمان، این شهر هیچ کوچه بن‌بستی ندارد و هر مسیر در نهایت به یکی از ۱۴ میدان محله ختم می‌شود: میدان‌هایی که در هر کدام مسجد، حسینیه، نانواپی، بقالی، حلیم‌پزی و یک فضای تجمع اجتماعی وجود دارد. این الگوی مشترک، نشان‌دهنده یک بافت اجتماعی زنده و مشارکتی است. در کنار همه این ظرفیت‌ها، البته ساخت‌وسازهای غیرمجاز، بافت را آزار می‌دهد اما سلمان اعتقاد دارد این موارد گسترده و مداوم نیستند و یکی از مطالبات اصلی کارزار ثبت جهانی بافت تاریخی شوشتر، مدیریت و جلوگیری از ایجاد همین ناهنجاری‌هاست. در همین بافت، خانه تاریخی دکتر نجاتیان نیز توسط مالک در حال مرمت است. همچنین بافت تاریخی «افضل» که مجموعه‌ای از خانه‌های متعلق به خانواده افضل را دربرمی‌گیرد، در ابتدای مسیر احیا قرار دارد. این خانه‌ها با وجود استقلال کالبدی، کاربری‌های متنوعی مانند بیرونی، اندرونی و دیوانخانه داشته‌اند. نمونه‌ای موفق از احیای این بافت، تبدیل خانه پدری آقای طبیب به بوتیک‌هتل است؛ مجموعه‌ای با سرمایه‌گذاری کاملاً خصوصی که فضای اقامتی شاخصی را در دل بافت تاریخی ایجاد کرده است. در کنار آن، حضور هنرمندانی مانند مجتبی پنهان‌دانه، دارنده نشان ملی و نشان یونسکو در حوزه احرامی بافی، نشان می‌دهد این بافت هنوز ظرفیت زیست فرهنگی و اقتصادی فعال را دارد.

خانه پدری

نجمه زاهدی‌نیا، هنرموز هنرستان گرافیک با بیش از ۲۲ سال سابقه تدریس، سال‌هاست میان اهواز و شوشتر در رفت‌وآمد است. اگرچه محل سکونتش اهواز است، اما نوعی تعلق که خودش آن را «عرق شوشتر» می‌نامد، او را هر هفته به زادگاهش بازمی‌گرداند. خانه‌ای که او به آن پناه می‌برد، همان خانه پدربزرگ است؛ خانه‌ای که پس از درگذشت بزرگ‌ترها،

چهارمحالی

با خوش‌بینی

پیش‌بینی

می‌کند:

«اگر این

روند آگاهی

و مشارکت

مردمی نداوم

یابد، تا ۱۵

سال آینده

اکثر خانه‌های

تاریخی

شوشتر

مرمت و احیا

خواهند شد

هویتی به نام «بابو»

در گویش محلی شوشتر، به پدربزرگ «بابو» می‌گویند. نجمه آن‌قدر در حرف‌هایش گفت «خونه بابو» که همین اسم روی خانه ماند و حتی در فرآیند ثبت ملی و فضای مجازی هم با همین عنوان شناخته شد. او روی این نام حساس است؛ می‌گوید: «نویسید خانه، بنویسید خونه؛ همون‌طور که صدایش می‌زنیم.» این خانه حالا در حال تبدیل شدن به یک اقامتگاه سنتی با هفت اتاق است. اما برای نجمه، اینجا فقط یک بیزینس نیست. او که هنرمند است، می‌خواهد در فصل‌های گرم که مسافرش کم است، «خونه بابو» را به مرکز کارگاه‌های هنری و ورکشاپ تبدیل کند. نگاه او به «شوداون» (زیرزمین‌های عمیق شوشتر) است؛ جایی که در اوج گرما، نفس خانه را تازه نگه می‌دارد.

ساحل شنی در دل زیرزمین

بعضی از اتاق‌ها برای نجمه خود زندگی هستند. او با لیختن به اتاقی اشاره می‌کند و می‌گوید: «من خودم تو همین اتاق به دنیا آمدم.» او خاطرات عجیبی از این خانه دارد. شوشتر، ساحل شنی ندارد و سواحلش سنگی و سخت است، اما در ذهن کودکی نجمه، دریا همین‌جا بود. کف «شوداون» خانه، همیشه پر از شن و ماسه‌ای بود که از قدیم برای ساخت‌وساز یا توسط آب آورده شده بود. نجمه می‌گوید: «کل بچگی‌ام توی شوداون خاک‌بازی کردم. با لیوان شن جمع می‌کردم و خیال می‌کردم کنار دریا هستم. شوداون برای من همان پناهگاه خنک و آزادی واقعی بود.» امروز شاید خیلی‌ها به «خونه بابو» به چشم یک سرمایه‌گذاری نگاه کنند، اما نجمه صریح می‌گوید که این تصمیم از حساب و کتاب اقتصادی نیامده است. این کار ادامه همان جریان ناخودآگاهی است که در تاریخ ایران

بازگشت به خویشتن

ساختار

شهری

شوشتر نیز

متحصربه‌فرد

است. به

گفته سلمان،

این شهر

هیچ کوچه

بن‌بستی

ندارد و هر

مسیر در

نهایت به یکی

از ۱۴ میدان

محله ختم

می‌شود:

میدان‌هایی

که در هر

کدام مسجد،

حسینیّه،

نانوایی،

بقالی،

حلیم‌پزی و

یک فضای

تجمع

اجتماعی

وجود دارد.

این الگوی

مشترک،

نشان‌دهنده

یک بافت

اجتماعی

زنده و

مشارکتی

است

وجود داشته؛ حسی که آدم را وادار می‌کند چیزی را زنده نگه دارد که اگر رهایش کنی، دیگر هرگز برنمی‌گردد.

از عشایر مراغه تا اعیان شوشتر

شوشتر تنها یک شهر نیست؛ موزه زنده‌ای است که در هر لایه از خاکش، رد پای ۵۰۰۰ سال تمدن و استمرار زندگی را می‌توان لمس کرد. اگر در بافت تاریخی شهر قدم بزنید، می‌بینید که چگونه مردم در طول هزاران سال، وقتی سایه آبگرفتگی بر خانه‌هایشان سنگینی می‌کرد، یک گام عقب‌تر نشستند، بلکه زندگی را به نقاط مرتفع‌تر بردند تا نبض شهر از تپش نیفتد.

در میان این تاریخ ایستاده، «خانه مقدم» حکایتی شنیدنی دارد؛ قصه‌ای از هجرت و ماندگاری. خاندان مقدم، بر خلاف آنچه شاید در نگاه اول به نظر برسد، ریشه در ایل‌های عشایر ترک مراغه داشتند. آنها که روزگاری از آذربایجان به شوشتر کوچ کردند، ابتدا در دستگاه‌های حکومتی مشغول به کار شدند و به مرور، با هوش و همت خود در بازار و ساختار اجتماعی شهر رشد کردند.

خانه مقدم، یادگار همان دوران است؛ خانه‌ای که با سابط‌های باشکوه (در شهر تاریخی شوشتر معابر سرپوشیده‌ای با معماری زیبا وجود دارد که این معابر مسقف را به اصطلاح سابط می‌گویند. سابط در لغت به معنای سایبان و دالان سرپوشیده است و یکی از رایج‌ترین نظریه‌ها پیرامون این سازه‌ها، ایجاد جایگاه و سایبان است.) و فضاهای اندرونی و بیرونی‌اش، نه‌تنها یک اثر معماری، بلکه نمادی از پیوند فرهنگ‌های مختلف در دل خوزستان است. این بنا که زمانی خانه‌ای فاخر بود، امروز به همت خانواده «صادق خلیفه و کاظم مدرسیان» که از هنرمندان دغدغه‌مند شهر هستند، جانی دوباره گرفته است. آنها ابتدا این فضا را به نگارخانه تبدیل کردند و امروز با تلفیقی از هنر و پذیرایی، راه را برای حضور مردم در دل تاریخ باز کرده‌اند.

ورق به نفع تاریخ برگشت

اما ارزش واقعی شوشتر، تنها در آجرها و سابط‌هایش نیست؛ بلکه در «آگاهی» مردمی است که همسایه دیواره‌به‌دیوار تاریخ هستند. در بسیاری از نقاط کشور، اخبار تلخی از تقابل جامعه محلی با آثار تاریخی می‌شنویم، اما در شوشتر ورق برگشته است. اینجا مردم محلی، نه به اجبار که با اصرار به دنبال تعامل با میراث هستند.

بازگشت به خویشتن

برش

در میانه بافت تاریخی شوشتر، بر بلندای سازه‌های آبی و در مرز دو محله اصیل «ذر عباس» و «عبدل‌پانو»، علی محمد چهارمحالی، کارشناس حفاظت و مرمت، از آغاز فصل جدیدی در حیات شهر سخن می‌گوید. او معتقد است نگاه‌ها از مرمت تک‌بنا به سمت احیای کل یک «گذر» تغییر یافته است: «همزمان با بدنه خانه «حاج مصطفی مقدم»، خانه‌های مجاور، یعنی «کارکوب» و «شال‌لباف» نیز در حال بازسازی جداره‌های بیرونی هستند تا با تلفیق اعتبارات دولتی و سرمایه

بخش خصوصی، این مسیرهای تاریخی به روزهای اوج خود بازگردند.»

به گفته او شوشتر نه یک سرنگناه معمولی، بلکه ابرپاقتی تاریخی به وسعت ۲۵۴ هکتار است. چهارمحالی با اشاره به شناسایی ۱۰۲۰ اثر ارزشمند در این گستره، بیشترین تراکم بناهای اعیانی نظیر «خانه مرغی» را متعلق به دو محله در عباس و عبدل بانو می‌داند. این پتانسیل عظیم، موجی از سرمایه‌گذاری را فراتر از مرزهای شهر ایجاد کرده است؛ به‌طوری‌که خانه جزایری توسط مالکی از تهران خریداری شده است. برای هدایت علمی این اشتیاق، اطلس «فرصت‌های سرمایه‌گذاری شوشتر» تدوین شده که ۱۰۰ بنای ویژه را از منظر تاریخی و اقتصادی تحلیل کرده است.

عشق به میراث شوشتر جغرافیا نمی‌شناسد. چهارمحالی به خانه‌ای اشاره می‌کند که مالکش از کانادا برای احیای آن بازگشته است تا بنا را برای نوزد به بهره‌برداری برساند. او احیای هربنا را راه‌اندازی یک بنگاه اقتصادی پایدار می‌داند: «خانه مقدم به تنهایی برای ۱۰ نفر اشتغالزایی کرده است؛ این یعنی اشتغالی از جنس فرهنگ که با روح شهر سازگار است.»

به گفته این کارشناس، نوآوری‌های مردمی در تعریف کاربری‌ها، تحسین برانگیز است. پیشنهادهایی همچون تبدیل حمام‌های قدیمی به «تئاتر زنده تاریخ» برای احیای ستن قاجاری و مراسم عروسی، موجی بناها را از حالت سوزه‌ای خارج می‌کند. همچنین طرح‌هایی نظیر «خانه نان» برای بازاریابی نانواپی‌های سنتی، «عکاسخانه و موزون لباس» بومی، «طبابت خانه» گیاهی و «مکتب خانه‌های هنری و موسیقی» با الگوبرداری از مکتب میرزا عبدالله، نشان‌دهنده نیاز فرهنگی امروز در کالبد دیروز است. آلتور - که چهارمحالی می‌گوید: «شوشتر به عنوان یک مکتب زنده معماری، سالانه میزبان دانشجویان داخلی و خارجی است که برای مطالعه بافت تاریخی و شهرک جدید (برنده جایزه آقاخان ۲۰۰۰) به اینجا می‌آیند.» چهارمحالی با خوش‌بینی پیش‌بینی می‌کند: «اگر این روند آگاهی و مشارکت مردمی تداوم یابد، تا ۱۵ سال آینده اکثر خانه‌های تاریخی شوشتر مرمت و احیا خواهند شد.»